

تحریم های اخیر آمریکا

مشکل بزرگ ایران

امیر فیض- حقوقدان

در قسمت نخست این تحریر تصمیم کنگره آمریکا مبنی بر عدم فروش هواپیماهای مسافری به جمهوری اسلامی مورد نقد قرار گرفت؛ اکنون به ادامه آن از جمله واکنش جمهوری اسلامی اشاراتی خواهد آمد.

واکنش جمهوری اسلامی

واکنش جمهوری اسلامی در مقابل تصمیم کنگره آمریکا در دو جهت قابل ملاحظه است:

نخست: اینکه جمهوری اسلامی عمل آمریکا را نقض آشکار برجام دانسته و باب تقلب و دروغگویی و عدم انجام تعهدات برجام را متوجه آمریکا ساخته است و طبق عادت و تربیت اسلامی کلی فحاشی و اتهامات متوجه آمریکا و رئیس جمهوری آن کشور کرده است.

عادت و تربیت اسلامی، زیرا قرآن آموزش داده است که به کفار فحش بدهید مگر اینکه نگران باشید که آنها هم به مقدسات شما اهانت کنند. مفهوم مخالف این آموزش اسلامی این است که اگر میدانید که طرف پاسخ اهانت های شما را نمیدهد فحش دادن اشکالی ندارد، نمونه این تربیت اسلامی را میتوانید در تربیت ۴۹ «نفر» از مریدان امید دانا دید که به تاسی از مرادشان آن کلکسیون فحاشی ها را نسبت به نماد ملی ما ایرانیان رایج ساخته اند.

واکنش دیگر از ناحیه سید علی

>ایران محکم ایستاده و هر حرکت نظام سلطه در قضیه برجام با عکس العمل جمهوری اسلامی مواجه خواهد شد.<

واکنش سید علی قابل نقد و بررسی نیست؛ رجز خوانی و به عبارت روشن گز نکرده پاره کردن است. بنابر اظهارات سابق همین سید علی، مذاکره با آمریکا مضر اعلام شده است معهذا مستقیم و غیر مستقیم مذاکره با آمریکا رواج داشته است، همچنین سید علی کراراً آمریکا را متهم به نقض برجام کرده است و آمریکا هم علاوه بر نقض برجام تحریم های خاصی هم تحمیل جمهوری اسلامی کرده است و اکنون هم با تصمیم کنگره صدمه بزرگی به برنامه جمهوری اسلامی در ترمیم صنعت هوایی فرسوده که دولت جمهوری اسلامی تبلیغات سنگینی روی آن کرده بود و نیز شرکت هائی را هم تحریم کرده است، معهذا هیچ عکس العملی از ناحیه جمهوری اسلامی دیده نشده است (شتر دیدی ندیدی).

رجز خوانی حالتی دارد که اگر رجز خوان، نژد، مرده است و دیگر کسی به رجز خوانی او اهمیتی نمیدهد.

اهمیت تحریم ها

اهمیت تحریم های آمریکا علیه جمهوری اسلامی از این جهت مهم است که با آنکه روسیه و چین و برخی از کشورهای عضو اتحادیه و حقوق دادنان بین المللی آنرا مخالف حقوق بین الملل میدانند ولی معهذاً تحریم ها هم جریان دارد و هم به انواع مختلف هر روز اضافه میشود و درحقیقت میتوان گفت؛ که تحریم های آمریکا علیه کشورها بصورت یک سلاح انحصاری در دست آمریکا در آمده است.

اما واکنش نخست جمهوری اسلامی

واکنش جمهوری اسلامی بشرح فوق الذکر ناشی از مشکلی است که جمهوری اسلامی از بدو مذاکرات هسته ای با گروه ۵+۱ دچار آن بوده است؛ و آن مشکل این است که هیئت ایرانی مسئول مذاکرات، سابقه و تجربه عملی و حقوقی درانجام مذاکرات بین المللی آنهم با ۶ کشور بزرگ جهان که بنمایندهگی از شورای امنیت، طرف ایران بوده اند را نداشته اند.

اهمیت موضوع و جو مذاکرات ژنو و وین و حضور شخصیت های سیاسی مهم ۶ کشور موقعیتی را بوجود آورده بود که هیئت ایرانی خود را قطره ای درمقابل آن هیئت میدید.

همین اشاره بالا را آقای عراقچی هم در عبارت دیگری بیان کرده است و علت اینکه ایشان نخوانده توافق ژنو را امضا کرده است (اقرار خود عراقچی) همان جو مذاکرات بوده است.

این حالت یعنی تحت تاثیر شرایط خاصه زود گذر قرار گرفتن و از خود بی خود شدن را **جو گیر شدن** مینامند؛ عده ای از روانشناسان عقیده دارند که تغییرات ظاهری روی احساسات و در نهایت افکار و تصمیمات اشخاص اثرگذار خواهد بود.

هیئت ایرانی مذاکره کننده هسته ای آنطور که آقای عراقچی توضیح داده است جوگیر شرایط و موقعیت جلسات قرار گرفته و خود بخود با عقاید و نظرات ۵+۱ ابراز موافقت کرده اند.

زوایای مشکل مزبور

زوایای مشکل نخواندن و امضا کردن سند ژنو و بعد هم برجام (شهادت دکتر سادات) تنها متوجه نخواندن سند و امضا کردن آن از سوی هیئت ایرانی نیست، بلکه حتی اگر هم هیئت ایرانی آنرا میخواند درکی که باید، از آن متون نداشت زیرا دانستن زبان انگلیسی ویا حتی حقوق بین الملل کافی نیست؛ برای حضور در چنین جلساتی که حداقل یکی از کشورهای طرف قرارداد آمریکاست با سابقه دشمنی با ایران علم در کنار تجربه میتواند کارساز و موثر باشد، یک وکیل ویا حقوقدان در کنار تجربه است که میتواند بر مشکلات فائق آید نه تنها تسلط به علم حقوق.

سعدی یک دوبیتی دارد که وصف الحال مورد است:

شنیدی که صوفی میکوفت زیر نعلین خویش میخی چند
آستینش گرفت سرهنگی که بیسان نعل برستورم بند

شرکت در مذاکرات بین المللی تروک خاصی دارد که تنها از طریق تجربه بدست میاید.

معلوم است که آمریکا همه قوه و امکانات سیاسی و اطلاعاتی و روانی لازم را برای تسخیر هیئت ایرانی و تحت تاثیر قراردادن آن هیئت بکار میبرد که برده است؛ و طبق گزارشات چانه زنی ها، آمریکا یک تیم ۸۰ نفره برای پشتیبانی و تنظیم موافقت نامه ها به کیفیتی که تامین کننده خواست آن کشور باشد را همراه وزیر خارجه کشورش داشته است و از جمله آن افراد شخصیتی بوده که در دانشگاه آمریکا استاد آقای علی اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران و عضو هیئت ایرانی مذاکره کننده با ۱+۵ بوده است؛ خوب معلوم است که صالحی تحت تاثیر کلام و موقعیت استادش قرار خواهد گرفت که گرفته است.

نگاه به تاریخچه مذاکرات هسته ای نشان میدهد که از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ چهار مذاکره کننده ارشد ایرانی عوض شده اند و همچنین نشان میدهد که کارشناسان و افراد هیئت در این مدت ۴ مرتبه تغییر یافته اند درحقیقت به چیزی که در آن جریان اصلا اهمیت داده نشده کسب تجربه است مرتبا افراد عوض شده اند همانند نوبت زیارت کردن.

تجربه نبود

این تحریر نمیخواهد گفته باشد که هیئت ایرانی سواد حقوقی کافی نداشته است خیر داشته است، ولی تجربه مدیریت مذاکرات بین المللی آنهم با ۶ کشور بزرگ که لااقل سه کشور از آن ۶ کشور روابط خصومت آمیزی با ایران داشته اند، را نداشته اند.

جمهوری اسلامی از تاریخی که ایران را غصب کرده است کدام عهدنامه بین المللی را امضا و مدیریت کرده بوده است که این دومی آن باشد؟ که بتوان گفت تجربه کلی داشته است.

تنها قرارداد ۱۹۸۱ الجزایر در مورد آزادی گروگان هاست که اولاً وزن آن قرارداد با مذاکرات ۱+۵ و برجام و موضوع آن قابل مقایسه نیست؛ و دوم اینکه نگاهی به آن قرارداد و ایرادات وارد بر آن، درست با قرارداد برجام همخوانی دارد و این گویاست که جمهوری اسلامی حتی از همان قرارداد الجزایر هم درس مذاکره با قدرت ها را نیاموخته است.

بخشهایی از یک گزارش تحقیقی

بهبتر است بخشهایی از یک گزارش تحقیقی درباره قرارداد الجزایر به اینجا آورده شود تا راه تطبیق و یکسانی فریب ها و اعتماد های یکطرفه و بی تجربه گی تیم ایرانی در هر دو قرارداد الجزایر و برجام روشن گردد. به اتفاق بخشی از آن گزارش تحقیقی را میخوانیم:

۱- > گروه مذاکره کننده ایرانی در تدوین، تنظیم و نگارش این موافقت نامه نقش **انفعالی داشته**

یعنی آن موافقت نامه را دولت یا گروه مذاکره کننده آمریکائی تنظیم کرده و گروه مذاکره کننده

ایرانی به بسیاری از مندرجات آن دقت نکرده و در هر حال بهزاد نبوی آنرا امضا کرده است و این

در حالی است که چنین موافقت نامه با اهمیتی باید بند، بند آن مورد بررسی موشکافانه آنهم از سوی حقوقدانان و کارشناسان مالی قرار گیرد.

۲- یقین است که گروه مذاکره کننده بسیاری از بندهای این موافقتنامه را اصلا درک نکرده و

نفهمیده که چه تعهداتی برای کشور ایجاد کرده اند.

بیشتر بند های این موافقت نامه بضرر کشور ما بود و شاید در تاریخ ایران کمتر موافقتنامه ای را میتوان با این درجه از یکسو بودن یافت **تعهدات ایران به طور بسیار روشن و گسترده و تعهدات آمریکا بسیار مبهم و محدود و با قید آمده است.**

۳- گروهی از کارشناسان علت این نتایج نامطلوب را ضعف کادر مذاکره کننده ایرانی و **خوش خیالی** آنها به مذاکره میدانند و معتقدند که **بهزاد نبوی تجربه و توانایی برای این مذاکرات را نداشت** او حتی کوشش نکرد از تعدادی که از نظر حقوقی کم و بیش میتوانند او را یاری دهند کمک بگیرد و در گروه **او یک حقوقدان قابل قبول وجود نداشت.**

۴- این توافقنامه تنها به زبان انگلیسی امضا شده است و نسخه فارسی آن به امضای نمایندگان آمریکایی نرسیده است، در صورتی که در تمامی توافقنامه های دوجانبه رسم بر این است که موافقتنامه به زبان های دوطرف به امضا میرسد.

۵- بیشتر بخشهای این توافقنامه به ضرر کشور ما بود و شاید در تاریخ ایران کمتر موافقت نامه ای رامیتوان با این درجه یکسویه بودن یافت؛ **تعهدات ایران بطور بسیار روشن و گسترده و تعهدات آمریکا بسیار مبهم و محدود و با قید آمده است.**

(گروه تاریخ حوزه تاریخ معاصر ۹۴/۸/۲۷)

۶- دکتر محمد کاشانی که بنمایندگی از سوی رجائی پرونده مذاکرات الجزایر را تعقیب میکرد نوشته است:

> هنگامیکه بهزاد نبوی در تاریخ ۲۴ دیماه سال ۱۳۵۹ در مجلس حاضر شد با آنکه پیش نویس قرارداد الجزایر را همراه داشت اما ناروا آنرا به اطلاع مجلس نرساند و موافقت نامه را دولت بعنوان یک لایحه به مجلس تقدیم نکرد و تنها در ششم بهمن گزارشی از امضای آن موافقتنامه به مجلس رسید در حالیکه طبق اصل ۷۷ قانون اساسی این موافقت نامه باید بتصویب مجلس میرسید؛ کاشانی نتیجه گرفته است که <مجلس در ناآگاهی کامل به سربرد و از این موضوع حساس دور نگهداشته شد>.

آقای بهزاد نبوی که بود



بهزاد نبوی متولد کشور عراق مشهور به **چریک پیر**، فارغ التحصل رشته الکترونیک از دانشگاه تهران که خودش نوشته بزرگترین افتخارش **نصب کولر خانه مهستی بوده**، نماینده تام الاختیار جمهوری اسلامی در مذاکرات الجزایر بوده است، و همانطور که آقای کاشانی نوشته است حتی یک حقوقدان قابل قبول بین المللی همراه هیئت ایرانی نبوده است.

اکنون فصل تشابه بین قرارداد الجزایر و برجام

حال برای اینکه گفته نشود که زمان قرارداد الجزایر با امروز و برجام، جمهوری اسلامی تفاوت کرده است به شهادت روزنامه کیهان در مورد برجام استناد میشود و سپس فصل تشابه و هماهنگی قرارداد الجزایر و برجام به منصفه قضاوت خوانندگان تقدیم میگردد.

شهادت کیهان تهران

> تیم هسته ای کشورمان را **افرادی مومن، دلسوز و باپشتکار میدانیم** که همه تلاش خود را برای حل و فصل چالش هسته ای به نفع ایران اسلامی به کار گرفته اند، و هرچند آنان به توصیه های مستند منتقدان توجهی نکرده و حتی از کنارپیش بینی های تحقق یافته آنان در مراحل مختلف این چالش نیز با بی اعتنائی و بعضاً توام با اهانت عبور کرده و خسارات کنونی را آفریده اند ولی به جد بر این باوریم که هرگز در پی خسارت آفرینی نبوده اند بلکه خسارت محضی که پدید آمده حکایت از آن دارد که اعضای محترم تیم هسته ای کشورمان ضمن تخصص در برخی رشته ها از کار آمدی کافی برای حضور در چالش های هسته ای و نیز هوشمندی و درایت لازم برای مقابله با حقه و فریبکاری و دروغ پردازی های حریف برخوردار نبوده اند و به همین علت از آوردگاه هسته ای نه فقط دست خالی بازگشته اند بلکه امتیازات فراوانی هم به حریف داده اند.

حاشیه= قبل از طرح وجه مشابه کیفیت کارآمدی برجام و قرارداد الجزایر اشاره ای به قضاوت های یکسویه کیهان تهران بجاست.

- ❖ برای شرکت در مذاکرات هسته ای به افراد مومن نیازی نیست به مردان با تجربه و حقوقدانان بین المللی و با سابقه و کسانی که ظرفیت گفتگو با شخصیت های سیاسی ۶ کشور بزرگ را دارند نیاز است نه به کسی که نماز و روزه و احکام اسلامی را بدانند.
- ❖ قضاوت کیهان تهران به دلسوز بودن هیئت نمایندگی ایران بکلی نادرست است کسی که ظرفیت انجام کاری را ندارد باید قبول مسئولیت نکند و اگر کرد مسئول است و در نهایت دلسوز و آدم با پشتکار نیست، در حالیکه به شهادت کیهان تهران هیئت ایرانی نه خودش اطلاعات و تخصص کافی داشته و نه حاضر به قبول راهنمایی دیگران بوده و حتی با اهانت با آنها روبرو میشده اند؛ نمیشود از آنان دفاع کرد و وضعیت آنها همان است که یکی از نمایندگان مجلس گفت:

«اگر حمایت ایت الله خامنه ای از تیم هسته ای نبود باید اعدام میشدند»

تنها دفاعی که از تیم هسته ای مشهود است این است که میگویند > ما در هر موردی از رهبر کسب اجازه میکردیم < یعنی کوری که عصا کش کوردگر بود.

جهات تشابه قرارداد الجزایر با برجام

(مقصود از جهات تشابه، جهات کارآمدی است نه مفاد قراردادها)

- ۱- در هر دو قرارداد هیئت ایرانی نقش انفعالی را داشته (بخوانید نقش مداد در دست طرف) و آنچه که هیئت ۵+۱ بتحریر آورده هیئت ایرانی امضا کرده است (شهادت عراقچی و دکتر سادات که برابر است با شهادت کیهان تهران).
- ۲- همانطور سالها بعد معلوم شد که در قرارداد الجزایر چه کلاهی بر سر ایران رفته که یک قلم نقدی آن ۳۰۰ میلیون دلار بوده و بخشی از تحریم های آمریکا سالها ادامه داشت و نیز خیلی مسائل مالی در آن قرارداد هنوز لاینحل است؛ قرارداد برجام نیز سالها باید بگذرد تا کلاهی که آمریکا در اثر خوش باوری هیئت ایرانی سر ایران رفته است کشف شود.

۳- همانطور که در قرارداد الجزایر تعهدات ایران روشن و تعهدات آمریکا نامفهوم و مشروط و مقید است؛ برجام هم شامل همین خصوصیات است و چنان با پیچیدگی و درهم و برهم و ضمیمه در ضمیمه تدوین شده است که ابهامات نتواند خود نمابشود.

۴- ذوق و خوش خیالی که در هیئت ایرانی قرارداد الجزایر در پایان امضای قرارداد به آن اشاره شده عینا در ارائه برجام از سوی دولت روحانی هم وجود داشته است؛ عبارات برجام هدیه خداست، برجام فتح الفتوح است، و انداختن فرش قرمز و استقبال از هیئت ایرانی دلیل همان ذوق زدگی است.

۵- همانطور که بهزاد نبوی در ارائه متن موافقت نامه به مجلس دول رفت که توضیح آنرا از قول دکتر محمد کاشانی ملاحظه کردید، برجام نیز از سوی ظریف و عراقچی به بهانه های مختلف به مجلس اسلامی ارائه نشد و مجلس در نهایت بی اطلاعی آنرا تصویب امریه ای کرد (امر خامنه ای بوسیله لاریجانی به وکلا ابلاغ شد؛ و برجام به آن مفصلی و با اهمیت ظرف ۱۵ دقیقه با موافقت مجلس و خبرگان مواجه گردید).

وجه تشابه ریشه ای

وجه تشابهی که هم در گزارش تحقیقی تاریخ معاصر و هم در شهادت دکتر محمد کاشانی ملاحظه شد، بیان کننده اساس گرفتاری ایران عدم بصیرت، تخصص خاص حقوقی، صلاحیت و تجربه مذاکرات با شخصیت های کشورهای بزرگ عامل اصلی شکست ایران در مذاکرات و تصمیمات بوده است و همانطور که کیهان لندن نوشته است: **هیئت ایرانی نه تنها دست خالی بازگشته اند بلکه امتیازات فراوانی هم به حریف داده اند.**

راه کار

نویسنده این تحریر که از مخالفان بنیادی با جمهوری اسلامی است به قید توجه و تکلیفی که نسبت به حفظ منافع کشور و ملت دارد راهکار زیر را ارائه میدهد.

حقیقت این است که ما ایرانیان با همه تحصیلات حقوقی سابقه مذاکرات بین المللی با کشورها و شخصیت ها را نداریم و آگاه به تروک کار و سیاستهای نفوذی و اغواگری ها نیستیم. برجام هم چیزی نیست که در کوتاه مدت کارش پایان یابد و بال بسیار سنگینی است برای ایران و اگر درست هدایت نشود کار از کار خواهد گذشت.

راهکار این است که دولت روحانی از یک فیرم (موسسه) حقوقی خارجی با سابقه در مذاکرات بین المللی مسلط و مستقل در عمل یاری بگیرد، امر مذاکره و اعتراضات و رجوع به کمیسیون حل اختلاف و تمام تبعات و تصمیمات برجام را به آن فیرم محول بنماید و هیئت ایرانی در کنار آن فیرم ناظر و به مسئولیت های خود عمل کنند.

این راهکار نباید به پرستیژ و شخصیت حقوق دانان دولتی سخت بیاید دکتر مصدق هم در دعوی ملی شدن صنعت نفت از حقوقدان خارجی استفاده کرد.

یک طبیب وقتی فرزندش مریض میشود بدون احساس حقارت فرزندش را نزد متخصص بیماری فرزند میبرد نه اینکه خودش آنرا معالجه کند. (پایان)